

## از رنج جهان سوم و مکانیسم‌های مختلف



صوفیا نصراللهی  
روزنامه‌نگار

گمانم فقط در خاور میانه ممکن است در فاصله‌ی چاپ هفتگی دو ستون در یک روزنامه، این همه اتفاق بیفتد. مثلاً خبر برسد مکانیسم ماشه را فعال کرده‌اند و فکر کنیم ۳۰ روز دیگر وضعیت اقتصادی‌مان چه می‌شود. یا دلار ناگهان رشد ۱۵ هزار تومانی تجربه کند. روز تعطیل که در برنامه‌ی خاموشی‌ها نبوده، برق برود. رژیم اشغالگر اسرائیل، حمله‌های تروریستی‌اش را این‌بار در یمن ادامه دهد. یک بلاگر اینستاگرامی، مورد حمله‌ی مردم قرار بگیرد و حتی در این مورد هم دودستگی ایجاد شود که اگر طرفدار آزادی بیان هستیم، باید با فردوسی هم شوخی کرد یا نه و در نهایت دادستانی ورود کرده و اعلام‌جرم کند که عفت عمومی جریحه‌دار شده و باز مردم به جان هم بیفتند که اگر دادستانی وارد شده، تقصیر آن‌هایی است که بلاگر را نقد کردند و طرف مقابل هم بگوید، مگر همیشه به حرف ما اتفاقی افتاده؟!

وسط این همه هیاهو در قلب تهران، خیابان زیبای نوفل‌لوشاتو و باتوق تئاترها و کافه‌ها، یک روبنداد فرهنگی زیبا برگزار شود که از ایران با عشق، محصولات ایرانی عرضه کند و استقبال از آن چنان باشد که به‌نظم شایسته بود نشریات خارجی در ایران هنوز نمایندگی داشتند و صفحه‌ی یک‌شان از عکس‌های این رویداد و پیر و جوان‌های زیبایی که به‌خاطرش صف کشیده بودند، پُر می‌شد؛ که ما چطور با ستایش زیبایی به زندگی ادامه می‌دهیم. اگر البته مثل رویداد تابستانی آن کافه بعد خبر تلخ از راه نرسد. اگر خبرهای تلخ نرسند، ما مردمی هستیم که حتی در قلب خاورمیانه و این اتفاقات، سعی می‌کنیم زیبایی را خلق و تحسین کنیم.

خلاصه اینکه در همین خیابان، هفته‌پیش دو تئاتر دیدم. یکی اقتباس از فیلم ایتالیایی که سال ۲۰۱۶ در ایران خیلی سروصدا به‌پا کرد؛ «غریبه‌های کامل». سوژه‌اش بیشتر از خود فیلم آن سال آدم‌ها را درگیر کرد. در باب این بود که اگر رازهای آدم‌های نزدیک بهم فاش شود، احتمالاً دیگر چندان نزدیک نخواهند ماند و اینکه چطور رازهای همه‌مان در موبایل‌ها مخفی شده. عجیب است که گاهی می‌بینی سوژه‌ای که مربوط به مشکلی در قلب اروپاست، مشکل اینجا هم هست. به‌هر حال پذیرش ما برای داشتن انواع و اقسام مشکلات واقعاً زیاد است.

آن یکی تئاتر، قصه‌اش انتخاب بود. تعاملی هم وسط کار از تماشاگران، نظرشان را می‌پرسیدند. داستان دو زوج که باید بین عشق و موفقیت فردی‌شان، یکی را انتخاب می‌کردند. بین عشق و مهاجرت، وقتی رسید به اینکه زن تصمیم بگیرد پای عشق بماند یا مهاجرت کند، خیلی‌ها بعضی کردند. بعد وقتی نوبت به تماشاگران رسید، یکی گفت، لعنت به شیوه‌ای که ما را تربیت کرده‌اند که آدم‌های احساساتی بار آمده‌ایم و با عقل‌مان تصمیم نمی‌گیریم. اگر اینجایی نبودیم و سر همه چیز منطقی عمل می‌کردیم؛ برای هر تصمیم، برای هر جدایی، برای هر راهی و برای هر پشت‌سر گذاشتن تالین حد رنج نمی‌کشیدیم. می‌توانستیم خوشبختی را انتخاب کنیم. موفقیت را، شادی را و حال خوش را.

راستش حرف درستی بود. چندان‌تر از عزیزان‌تان را می‌شناسید که مهاجرت کرده‌اند و می‌گویند، انگار همیشه مشکلات خاورمیانه با ما است؛ فقط مشکلات را برديم به اروپا، کانادا و آمریکا. و راست می‌گویند. من باور می‌کنم که وقتی اینجا جنگ می‌شود یا آب و برق قطع است یا گرانی یا خودکشی‌ها افزایش پیدا می‌کند، آن‌ها واقعاً رنج می‌کشند. اما راستش فکر می‌کنم همان قدر که این مکانیسم ماشه‌ای است که گمان می‌کنیم خوشحالی‌مان را هدف می‌گیرد، مکانیسم دفاعی‌مان هم هست. همان چیزی است که باعث می‌شود در اوج ترس و اضطراب به‌خاطر یک رویداد، دل‌مان شاد شود و در شبکه‌های اجتماعی بنویسیم: از قشنگی‌های شهر، از قشنگی‌های کشور.

فقط حواس دیگران هم باید باشد که این قشنگی‌ها را از ما نگیرند و دریغ نکنند. چون این همان چیزی است که باعث شده ما از پس دو جنگ و مکانیسم‌های مختلف بدبختی بریابیم.

۱۶  
۲۴ ساعت  
24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com  
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی  
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی  
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی  
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)  
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)  
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری  
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار  
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۹۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۵۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸  
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۱۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



# قهرمانی با احترام به وطن

ادامه مسیر قهرمانی والیبال جوانان ایران  
در گفت‌وگو با سرمربی و ستاره این تیم



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

بازی تدارکاتی رسمی‌ای تا قبل از مسابقات نداشتیم و صرفاً با ۱۲ تیم داخلی، مسابقه دوستانه برگزار کردیم و ۱۰ روزی زودتر به چین سفر کردیم تا با فرانسه و برزیل، دو دیدار تدارکاتی برگزار کردیم و پیروز شدیم». مومنی مقدم در مورد سلام نظامی قبل از شروع هر مسابقه گفت: «ما سرباز میهن هستیم و از این آب و خاک رشد کردیم. هر کاری از دست‌مان بریاید، نباید دریغ کنیم. باید از این آب و خاک دفاع کنیم و همراه مردم باشیم. می‌دانم مشکلات زیاد معیشتی برای مردم وجود دارد به‌همین دلیل باید برای خوشحال شدن مردم قدم برداریم». از طرفی متین حسینی، ستاره تیم ملی جوانان ایران نیز در گفت‌وگو با هم‌میهن در این باره گفت: «سلام نظامی دادیم، چون در جنگ ۱۲ روزه عزیزان بسیاری از مردم ایران را از دست دادیم. ادای احترام به عزیزان‌مان، وظیفه انسانی ما بود».

### ستاره‌هایی که درخشیدند

هر قهرمانی‌ای نیازمند ستاره‌هایی است که در لحظات حساس بدرخشند. تیم ملی جوانان ایران نیز در این مسیر چند بازیکن خاص داشت که آمارشان در مسابقات جهانی قابل توجه بود. امیرضا عابدینی، اسپکر قدرتی تیم، در فینال برابر ایتالیا ۲۳ امتیاز کسب کرد و به‌عنوان بهترین بازیکن میدان شناخته شد، همچنین در کل تورنمنت نیز با ثبت ۱۰۸ امتیاز در ریف برترین امتیازآوران قرار گرفت. محمدحسین جعفری، مدافع وسط تیم، با ۷ بلاک مؤثر در فینال، دیوار مستحکمی برابر حملات ایتالیا بود. او در طول رقابت‌ها ۳۵ بلاک ثبت کرد و بهترین مدافع مسابقات لقب گرفت.



ازسوی دیگر متین حسینی، یکی از ستاره‌های تیم ملی در این رقابت‌ها بود که سرویس‌های پرشی و امتیازآور او مورد توجه رسانه‌های دنیا قرار گرفت. او در خصوص فرآیند شدن این ویدئو گفت: «خوشحالم که یکی از اعضای تیم قهرمان بودم. سرویس‌های پرشی زیادی را در این مسابقات به امتیاز تبدیل کردم. الگوی من در سرویس‌های پرشی از بیجگی، ایوان زایتسوف بزرگ بود». در مجموع تیم ایران در هر مسابقه به‌طور میانگین بیش از ۸۵ امتیاز به‌دست آورد و در آمار کلی تورنمنت از نظر دفاع روی تور و اسپک، در میان سه تیم برتر دنیا قرار گرفت. چنین آماری ثابت می‌کند که قهرمانی ایران اتفاقی نبود، بلکه نتیجه عملکردی منسجم و حساب‌شده بود.

### کم‌توجهی رسانه‌ها به قهرمانی

قهرمانی تیم ملی جوانان ایران در عرصه جهانی اما آنطور که باید، فراگیر نشد. موضوعی که در نوع خود کم‌لطفی برخی رسانه‌ها را به یک موفقیت جهانی می‌رساند. در این باره رضامومنی مقدم هم‌پیش از سه‌سال است که شکست‌ناپذیر بوده اما این اتفاق کم‌تظیر بیشتر در رسانه‌های خارجی فرآیند شده تا رسانه‌های داخلی. در این باره از سرمربی تیم ملی جوانان، دلیل آن را جویا شدیم: «طبعاً والیبال مثل فوتبال مورد توجه رسانه‌ها نیست ولی خود من توجه‌ام بیشتر به دیده‌شدن یا مباحثه در رسانه‌ها نیست و فکر می‌کنم در سکوت، بهتر بتوان کار را جلو برد و موفق شد. تلاش من این است که برای موفقیت کشور قدم بردارم و در رشته والیبال متمرکز باشم و در آینده بتوانم مربی ایرانی خارج از کشور باشم که در دره باشگاهی یا ملی به‌عنوان یک مربی ایرانی اژیونر، مربیگری کنم».

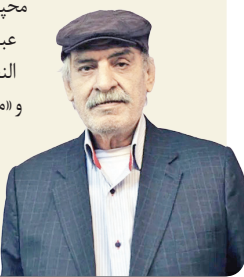
### آینده‌ای روشن برای والیبال ایران

قهرمانی جوانان در جهان، نقطه پایانی بر یک تورنمنت نیست؛ بلکه آغازی برای مسیری بزرگ‌تر است. بسیاری از این بازیکنان در آینده نزدیک، پیراهن تیم ملی بزرگسالان را به تن خواهند کرد. تجربه نشان داده که موفقیت در رده‌های پایه، سکوی پرتابی برای درخشش در سطح بالاتر است. اهمیت این موضوع در واکنش کارشناسان جهانی نیز بازتاب یافت. بسیاری از رسانه‌های معتبر ورزشی، قهرمانی ایران را نشانه‌ای از ظهور قدرتی جدید در والیبال دنیا دانستند. متین حسینی در خصوص آینده روشن والیبال ایران و البته اهداف شخصی خود گفت: «برای این رقابت‌ها مسابقات تدارکاتی نداشتیم اما با حمایت فدراسیون والیبال توانستیم زودتر به چین برویم و در آنجا دو بازی تدارکاتی با کیفیت را با برد پشت‌سر گذاشتیم. در آینده امیدوارم بتوانم اژیونر شوم. به تیم ملی بزرگسالان نیز کمک کنم و این مسیر درخشان را ادامه دهم». این نسل می‌تواند ادامه‌دهنده نسل فعلی در رده بزرگسالان باشد و یک دهه آینده والیبال کشور را تضمین کند.

### چهره

## پرواز ابدی پدر نمایش بوشهر

صبح دیروز ۱۰ شهریورماه ۱۴۰۴، ایرج صغیری؛ نویسنده، نمایشنامه‌نویس، کارگردان و بازیگر پیشکسوت تئاتر ایران و یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های هنر آیینی کشور، پس از سپری کردن یک‌دوره بیماری در سن ۷۸ سالگی در بیمارستان ابوعلی سینا شیراز و به علت نارسایی کلیه درگذشت. استاد صغیری متولد اول آذرماه ۱۳۲۵ در بوشهر بود. او با بازی در نقش «ابوذر» در تئاتری که با همکاری داریوش ارجمند و نظارت علی شریعتی در دانشگاه فردوسی و حسینیه ارشاد اجرا شد، توانست مهارت خود را در بازیگری به نمایش بگذارد. بعدتر نیز نمایش «قلندر خونه» او در نهمین دوره جشن هنر شیراز، بسیار مورد توجه قرار گرفت و بدین ترتیب صغیری، هم تئاتر و آیین‌های نمایشی بوشهر را در سطح ملی مطرح کرد، هم خود به شهرتی چشمگیر دست یافت. کارگردانی فیلم «سفر غریب» و «نمایش قلندر خونه»، «نمایش محپلنگ»، «نمایش سرباز»، «نمایش شب شولای عبدالرحمان» و نویسندگی «خالو نکبسا، بنات النعش بیوز بلنگ»، «خلخال شوم»، «قلندر خونه» و «محپلنگ، ایرج» بخشی از کارنامه این هنرمند بوشهری است. نمایشنامه «قلندر خانه» او، به‌عنوان اثر شایسته تقدیر بیستمین دوره جایزه کتاب‌فصل، شناخته شد.



### کتابخانه

## داستان سیمان و ایران

وقتی از ایران جدید حرف می‌زنیم فقط ایده‌ها و فکرها نیستند که اهمیت دارند؛ هر تمدنی وجهی عینی نیز دارد که برای نمونه در ساختمان‌هایش نمودار می‌شود. این ساختمان‌ها اما با کاهگل ساخته نشده‌اند؛ این سیمان بوده که معماری ما را مدرن کرده است. سارا کریمی با درکی بین‌رشته‌ای سراغ همین ماده مهم رفته تا در کتابی دیگر در مجموعه «پژوهش‌های اجتماعی درباره ایران» به ما از تاریخ صنایع سیمان در ایران و چگونگی تأسیس، راه‌اندازی، تحول، توسعه، خصوصی‌سازی و حتی بحران و رکود این صنایع بگوید. او از این طریق بینگاهی نیز انداخته به تجربه صنعتی‌سازی در ایران.

همچنین قصد داشته وضع تکنوکراسی ایرانی را نیز در این میان شرح دهد. بدین ترتیب به روایتی رسیده است منحصر به‌فرد: «اینکه وقتی از منظری مشخص (تاریخ صنعت سیمان) به امر کلی (تاریخ صنعت در ایران) می‌نگریم، تدالومی از بقایا می‌بینیم که گسست‌های مقطعی در تاریخ سیاسی را جبران می‌کند. بدین ترتیب این تاریخ نه تاریخ گسست، بلکه تاریخ تدالومی است که چرایی و چگونگی حضور مدیران میانی را در میدان عمل توضیح می‌دهد.»



نام کتاب: انقلاب در صنعت سیمان  
نویسنده: سارا کریمی  
انتشارات: نشر نی

### تاریخ

## عملیات کربلای ۲



پس از اجرای موفقیت‌آمیز عملیات کربلای ۱، موسوم به عملیات طریق‌القدس، طرح‌ریزی و اجرای عملیات کربلای ۲ در دستور کار قرار گرفت. آزادسازی خرمشهر، که هدف غایی

سلسله عملیات‌های کربلا بود، ایجاب می‌کرد که پیش از آن شکست دیگری بر ارتش عراق وارد شود و نیروی قابل‌توجهی از قوای اصلی آنها نیز منهدم شود. بدین ترتیب عملیات نیمه‌گسترده کربلای ۲ به‌صورت مشترک توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی زمینی ارتش انجام گرفت. این عملیات در ساعت ۱۱ بامداد ۱۱ شهریورماه ۱۳۶۵ در منطقه‌ای به‌وسعت ۵۰ کیلومتر مربع در عراق آغاز شد و یک‌روز بعد، با پیروزی نیروهای ایرانی به پایان رسید. در این عملیات محمود کاوه، فرمانده تیپ ۱۵۵ ویژه شهدا سپاه پاسداران، به شهادت رسید. در این عملیات ارتفاعاتی در منطقه حاج عمر، به تصرف نیروهای ایرانی درآمد و از نیروهای ارتش عراق حدود ۳۰۰۰ نفر کشته و زخمی و نیز ۲۰۰ نفر اسیر شدند. لشکر ۱۰ سیدالشهدا نیز در این عملیات با ۵ گردان، وارد عمل شد و تا ۲۵ مهرماه ۱۳۶۷ نیز در این منطقه باقی ماند.